

## تحلیل مبانی تأسیس حقوقی جعاله در حقوق داخلی

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۴

کد مقاله: ۷۲۰۸۵

محمد اسماعیل زاده<sup>۱</sup>، احمد پور ابراهیم<sup>۲</sup>

### چکیده

جعاله عبارت است از انجام عملی معین در مقابل اجرتی معلوم (جعل) طبق قرارداد و یا التزام شخص (جاعل یا کارفرما) به ازای مبلغ یا اجرت معلوم (جعل) در مقابل انجام عملی معین، طبق قرارداد طرفی که عمل را انجام می‌دهد عامل یا پیمانکار و طرفی که کار را ارجاع می‌کند جاعل یا کارفرما می‌نامند. جعاله یکی از نهادهای قانون مدنی (مواد ۵۶۱ تا ۵۷۰) و دارای ریشه‌ای عمیق در فقه اسلام است که قبل از انقلاب اسلامی کمتر از آن یاد می‌شد. ولی با تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا در شهریور ۱۳۶۲ کاربرد وسیعی پیدا کرد. طبق ماده ۱۶ قانون عملیات بانکی بدون ربا بانک‌ها می‌توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش امور تولیدی، بازرگانی و خدماتی مبادرت به جعاله نمایند؛ بنابراین جعاله در همه بخش‌های اقتصادی کاربرد دارد و از این رو می‌تواند به عنوان مکمل برای عقد مضاربه (که صرفاً مربوط به بخش تجاری است قرار گیرد) کاربرد جعاله در بانکداری اسلامی به حدی است که آن را ام‌العقود می‌نامند. دلیل این گستردگی کاربرد از سویی به علت سهولت شرایط این عقد نسبت به سایر عقود و همچنین گستره موضوعات قابل انجام به وسیله آن است. در بانکداری اسلامی روابط اقتصادی مردم بر اساس قراردادهای اسلامی است از جمله روابط اقتصادی دوجانبه همین جعاله می‌باشد اعطای تسهیلات بانکی با رعایت حدود و مقررات اسلامی امری واجب و درخور توجه است؛ بنابراین مهم، در این پایان‌نامه سعی بر آن شده است که در دو بخش کلیات و جعاله بانکی تحلیل و بررسی این عقد در قالب رویکردی فقهی و حقوق موضوعه و حل اختلافات موجود در آن شود.

واژگان کلیدی: جعاله، تعهدات، عملیات بانکی بدون ربا، جعل، بانکداری اسلامی

۱- دانشجوی دکتری حقوق عمومی و مدرس دانشگاه

۲- دانش‌آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی و مدرس دانشگاه

## ۱- مقدمه

در نظام بانکی قراردادهای تحت عناوین مختلف وجود دارند؛ مانند قرض‌الحسنه‌ی مشارکت مدنی، مضاربه مزارعه و جعاله و غیره، جعاله یک معامله‌ی فقهی بوده که در قانون مدنی ایران به‌عنوان یکی از عقود معین معرفی شده است؛ اما امروزه از عمل حقوقی جعاله بر خلاف گذشته که منحصراً برای امور جزئی مانند اشیای گم شده استفاده می‌شود. برای فعالیت‌های تولیدی، بازرگانی و خدماتی مانند ساختن بزرگراه‌ها، گشایش اعتبار اسنادی در رابطه با تجارت خارجی، صدور ضمانت‌نامه‌های بانکی، عرضه‌ی اوراق مشارکت و سهام شرکت‌ها، تعمیر ساختمان‌ها و غیره استفاده می‌شود. لذا ضرورت دارد که با شناخت کامل این تاسیس حقوقی ریشه دار در فقه اسلامی سوال‌ها و نیازهای امروزی جامعه مناسب داد. انسان با تولد خویش از همه‌ی حقوق الهی برخوردار می‌گردد حقوقی که بنابه انسان بودن، هر انسانی حق بهره‌مندی از آنان را دارا می‌شود. حقوق مدنی و طبیعی که در قالب دین مبین اسلام برای افعال و اعمال مسلمانان قرارداده شده است. روابط انسان‌ها را با خدا و انسان‌ها را با یکدیگر تنظیم می‌نماید. روابط مدنی انسان‌ها شامل روابط عاطفی اجتماعی، اقتصادی و غیره می‌باشد. اسلام با تاسیس بانک مخالف نیست بلکه با فعالیت‌های ربوی و اعمال سیاست‌های پولی که موجب گسترش فقر عموم مردم می‌شود به شدت مخالف است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در نظام بانکداری جمهوری اسلامی اصلاحاتی به عمل آمد و این اصلاحات باید تا تطبیق کامل قوانین بانکی با شرع مقدس اسلام ادامه یابند. در قانون اساسی نقش بانک‌ها پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و غیره از جامعه مشخص شده است.

## ۲- مبحث اول: واژه شناسی

واژه جعاله مشتق از مصدر جعل است. برای واژه جعل و مشتقاتش، معانی مختلفی بیان شده است. تعدادی از آن‌ها را نقل کرده آنگاه معنای خاصی را که واژه جعاله بر آن دلالت دارد، یادآور می‌شویم.

ماده جعل به معنای بیان کردن مقدار اجرت برای انجام کاری است. زمخشری می‌گوید: «و اجعلت لفلان فعلی لی کذا، بینت جعلاً».

جعل به معنای نهادن و قرار دادن است. ابن منظور می‌گوید: «جعل الشيء يجعله جعلاً و جعلاً واجتعله وضعه».

جعل به معنای ساختن است. ابن منظور می‌گوید: «جعله يجعله جعلاً صنع».

جعل به معنای (تبدیل) کردن است. ابن منظور می‌گوید: «جعل الین خزفاً و القبیح حسناً: صیره اياه».

جعل یفعل کذا به معنای اقبل و اخذ؛ یعنی کار را شروع کرد.

جعل به معنای نسبت دادن است. زجاج می‌گوید: جعلت زیداً أخاک: نسبته الیک.

جعل به معنای عمل و هیئاً؛ یعنی انجام داد و آماده کرد، می‌باشد.

جعل به معنای حکم کردن به چیزی است. زبیدی می‌گوید: «جعل الله الصلوات المفروضات خمساً»؛ ای حکم به؛ یعنی خداوند حکم کرده که نمازهای واجب پنج نماز است.

جعل به معنای آفریدن و خلق کردن است. ابن منظور می‌گوید: «قوله تعالى (و جعلنا من الماء کل شیء حی)؛ ای خلقناه».

(انبیاء، آیه ۳۰)

در زبان فارسی جعل به معنای تقلب کردن در (اسناد و غیره) نیز آمده که مصداقی از معنای سوم یا ششم است.

جعل به معنای وضع قانون کردن است که شاید مصداقی از معنای سوم باشد.

جعل به معنای حق‌العمل و اجرت عامل است.

جعاله به معنای مزدگانی که از طرف شخص گم‌کننده چیزی به یابنده آن چیز پرداخت می‌شود.

جعاله به معنای تعهد پرداخت مال به کسی که عمل معینی را انجام دهد و این همان معنایی است که ما در صدد شرح و بیان احکام آن می‌باشیم. ابن منظور می‌گوید: «جعل له کذا: شرطه به علیه و کذلک للعامل کذا»؛ یعنی علیه خودش تعهد کرد که در مقابل انجام آن کار فلان مبلغ را بپردازد.

استعمال لفظ جعل، جعل، جعلیه، جعله، جعله و جعله در معنای پاداشی است که به عامل می‌دهند. جعل بر وزن قفل و جعلیه بر وزن سفینه، هر دو به معنای پاداش است که شخص یا اشخاصی آن را در ازای انجام عملی مشخص می‌کنند. از این‌رو، از نظر معنا، جعل، اخص از اجرت و پاداش است. از نظر منطقی هم بین جعل و اجرت، عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی هر جعلی، اجرت به حساب می‌آید، اما به هر اجرتی اصطلاحاً جعل گفته نمی‌شود، بلکه تنها به اجرتی جعل می‌گویند که قبل از انجام عمل تعهد شده باشد. (۱۰، ۷۲)

در بیان معنای لغوی واژه جعل شاید بتوان ادعا کردن که همه معانی یاد شده به معنا برمی‌گردد، مثلاً بگوییم: جعل به معنای نهادن و قرار دادن است؛ یعنی معنای اصلی جعل، نهادن است و دیگر معانی، هر یک به‌نوعی به این معنا برمی‌گردد، اما بیان موارد

استعمالی که در کتاب‌های لغت ذکر شده نیز، خالی از فایده نیست؛ مضافاً بر اینکه توجیه کردن همه موارد کاربرد در قالب یک معنا، کار بسیار مشکلی است. (۱۱، ۱۲۰)

معنای فقهی جعاله از معنای لغوی آن دور نیفتاده است؛ یعنی جعاله یک حقیقت شرعی نیست. فقها تنها کوشیده‌اند مشروع بودن یا عدم مشروعیت آن را ثابت نمایند. سپس، به فرض مشروع بودن، لازم‌الاجرا بودن یا نبودن آن را اثبات کنند. آنگاه، در صورت لازم‌الاجرا بودن، ضوابط شرعی آن را مشخص و مراعات کنند.

### ۳-مبحث دوم: اقسام جعاله در حقوق ایران

قانون مدنی ایران در ماده ۵۶۱ جعاله را چنین تعریف کرده است: « جعاله، عبارت است از التزام شخصی به ادای اجرت معلوم در مقابل عملی، اعم از این که طرف معین باشد یا غیر معین.» و در ماده‌ی بعدی می‌گوید: « در جعاله ملتزم را جاعل و طرف را عامل و اجرت را جُل می‌گویند.» (۶، ۷۲)

چنانکه از این تعریف به دست می‌آید جعاله یکی از معاملات معوض است. لذا جاعل مکلف است که پس از انجام کار عوض تعیین شده را بپردازد. جعاله، یک تأسیس حقوقی ریشه‌دار در فقه اسلامی است و تعریفی هم که در ماده ۵۶۱ قانون مدنی، ارائه شده دقیقاً همان چیزی است که اکثر فقها مطرح کرده‌اند.

ماده ۶۶ آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب ۱۳۶۲/۱۰/۱۲ هیات وزیران و ماده ۱ دستورالعمل اجرایی جعاله مصوب ۶۲/۱۰/۱۸ مصوب شورای پول و اعتبار، جعاله را این‌گونه تعریف کرده است: « جعاله، عبارت است از التزام شخص «جاعل» یا «کارفرما» به ادای مبلغ یا اجرت معلوم (جُل) در مقابل انجام عملی معین، طبق قرارداد. طرفی که عمل را انجام می‌دهد «عامل» یا «پیمانکار» نامیده می‌شود.»

تفاوت این تعریف با تعریف قانون مدنی در آن است که اولاً، برای هر یک از دو واژه عربی جاعل و عامل، معادل‌های فارسی کارفرما و پیمانکار را نیز آورده و ثانیاً، عبارت « اعم از این که طرف معین باشد یا غیر معین» را که در متن ماده ۵۶۱ قانون مدنی وجود دارد، حذف کرده است. البته چنین حذفی صحیح به نظر نمی‌رسد، چون همان‌طور که پیش از این اشاره شده، بانک‌ها نیز گاهی نیازمند بهره‌گیری از جعاله عام هستند. (۱۲، ۱۰۱)

در توضیح این مطلب، مناسب است متذکر شویم که در فقه و حقوق جعاله را به دو قسم تقسیم کرده‌اند: الف) جعاله خاص و ب) جعاله عام.

#### ۳-۱-گفتار اول: جعاله خاص

در این نوع جعاله، جاعل شخص خاصی را مخاطب می‌سازد و به او می‌گوید: اگر فلان کار را برای من انجام دهی، فلان مبلغ به تو خواهم داد. در اینجا شخصیت عامل برای جاعل به دلیلی دارای اهمیت است، مثلاً ممکن است از متخصصان زبردست باشد، به طوری که کار مورد نظر تنها از او ساخته است (مانند این که نقاش ماهر یا معمار با تجربه و یا پزشک حاذقی است که به کار او اعتماد دارد) یا اینکه از خویشان یا دوستان او است و می‌خواهد بدین وسیله او را به فعالیت وا دارد. بنابراین، در چنین فرضی اگر کس دیگری آن کار را انجام دهد، مستحق پاداشی نخواهد بود، چون جاعل تعهد نکرده بود که به هرکسی که کار را انجام دهد آن پاداش را بپردازد (۷، ۸۳).

#### ۳-۲-گفتار دوم: جعاله عام

در جعاله عام، جاعل این است که آن کار مشخص انجام شود، اما اینکه چه کسی آن را انجام دهد اهمیت چندانی ندارد، مثلاً نوعی بیماری ناشناخته فراگیر می‌شود و هر روز عده زیادی در سراسر کشور از بین می‌روند؛ وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی اعلام می‌کند: به هرکس که بتواند دارو و یا واکسن پیش‌گیری از این درد را کشف کند و بسازد، یکصد میلیون تومان جایزه می‌دهیم؛ ممکن است برای تشویق بیشتر داروسازان داخل کشور این قید را اضافه کند که چنانچه سازنده، ایرانی باشد دویست میلیون تومان پاداش دریافت خواهد کرد و یا مثلاً بانک مسکن قصد دارد شهرک جدیدی بسازد اعلام می‌کند: به هرکس که تا دو ماه دیگر بهترین طرح برای این پروژه ساختمانی را ارائه کند، فلان مبلغ پاداش تعلق خواهد گرفت، چون به‌طور دقیق نمی‌داند که کدامیک از مهندسان می‌تواند این کار را انجام دهد؛ مضافاً با این کار فکرهای خلاق به فعالیت وا داشته می‌شوند. (۷، ۹۱)

بنابراین جعاله به این شکل نیز می‌تواند مورد استفاده بانک‌ها باشد و چه بسا در برخی موارد ضروری باشد، اما طبق ماده ۶۷ آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا بانک‌ها موظف شده‌اند که از جعاله خاص استفاده کنند. متن ماده چنین است: «بانک‌ها می‌توانند به‌منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش امور تولیدی، بازرگانی و خدماتی با تنظیم قرارداد به‌عنوان «عامل» یا عندالاقضا به‌عنوان « جاعل» مبادرت به جعاله نمایند.» (۶، ۱۷)

اینکه گفته است «با تنظیم قرارداد» بانک‌ها مبادرت به جعاله کنند و در ماده ۶۶ آیین‌نامه نیز در تعریف جعاله، عین تعریف مذکور در ماده ۵۶۱ ق.م. را نیآورده و عبارت «اعم از این که طرف معین باشد یا غیر معین» را حذف کرده، دلیل بر این است که دولت خواسته است که در بانک‌های جمهوری اسلامی ایران تنها از جعاله خاص استفاده شود. (۲، ۷۲)

تعریفی که از جعاله در ماده ۶۶ آیین‌نامه آمده، با این اشکال مواجه است که ماهیت جعاله را در برابر اجازه اشخاص که با آن شباهت زیاد دارد، معین نمی‌کند، چون در اجازه اشخاص نیز مستأجر ملتزم می‌شود که اجرت معلومی را در برابر کار معینی بپردازد، چنان‌که بعداً در مبحث مربوط به مقایسه جعاله با دیگر نهادهای حقوقی خواهیم گفت: «بین جعاله و اجازه این تفاوت اساسی وجود دارد که در عقد اجازه ف اجرت و میزان کار باید معلوم و معین باشد و طرف ایجاب نیز شخص معینی است که به‌عنوان اجیر آن را می‌پذیرد و ملتزم به کار می‌شود، ولی در جعاله نه تنها میزان کاری که باید انجام شود، به درستی معلوم نیست، اجرت نیز ممکن است به طور کامل معلوم نباشد (ماده ۵۶۳ ق.م.)» (۳، ۳۹).

این اشکال در تعریف جعاله ذکر شده در ماده ۵۶۱ قانون مدنی چندان خودنمایی نمی‌کند، چراکه در آنجا با آوردن قید «اعم از این که طرف معین باشد یا غیر معین» خودبه‌خود عقد اجازه خارج می‌شود و به اصطلاح علم منطق، تعریف قانون مدنی مانع اغیار است، اما در ماده ۶۶ آیین‌نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا و نیز ماده ۱ دستورالعمل اجرایی آن‌هم به این ویژگی جعاله اشاره نشده است. شایسته است تنظیم‌کنندگان این مواد به هنگام بازنگری در آن‌ها آن را تعریف کرده یا طی موادی جداگانه خصوصیات جعاله را بیان کنند تا همه بدانند که قانون‌گذار در جعاله، سخت‌گیری‌های کم‌تری از خود نشان داده تا نیاز مردم به این‌گونه معاملات برآورده شود، همچنان که اشکال «مانع اغیار نبودن» نیز از تعریف زدوده شود. (۱۳، ۲۴)

#### ۴-مبحث سوم: دلایل اعتبار جعاله در بانکداری اسلامی

در این مبحث توضیح خواهیم داد که جعاله مورد استفاده در بانکداری، با اندک تفاوتی همان جعاله شناخته شده در فقه اسلامی است و علاوه بر جعاله های ویژه بانکی، جعاله به همان شیوه ساده دیرینه‌اش نیز در بانک داری کاربرد دارد. از این‌رو، دلایل اعتبار جعاله به طور مطلق آورده می‌شود. برای اثبات اعتبار و مشروعیت جعاله به ادله زیر استناد کرده‌اند.

#### ۴-۱-گفتار اول: قرآن

از میان آیات قرآن- چنان که صاحب جواهر و دیگران اشاره کرده‌اند- دست‌کم به چهار آیه زیر می‌توان استناد کرد: «قَالُوا نَفَقْدُ صَوَاعِ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ»؛ یعنی پیمانانه زرین سلطنتی را گم کرده‌ایم، هرکس آن را پیدا کند و بیاورد مالک یک بار شتر گندم می‌شود.

بسیاری از فقها و مفسران حکم مشروعیت جعاله را از این آیه شریفه استنباط کرده‌اند. از مفسران اهل سنت، زمخشری در کتاب الکشاف، اسماعیل بن کثیر در کتاب تفسیر القرآن العظیم، ابن العربی در کتاب احکام القرآن، آلوسی در کتاب روح المعانی، قرطبی در کتاب الجامع لاحکام القرآن، جصاص (حنفی) در کتاب احکام القرآن و از مفسران شیعه، فیض کاشانی، شریف لاهیجانی، مشهدی قمی، علامه طباطبائی، محمد جواد مغنیه و... تصریح کرده‌اند که حکم جعاله از این آیه استنباط می‌شود. مرحوم مغنیه در تفسیر آیه شریفه «وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ». می‌گوید: این آیه در دو باب از ابواب فقه کاربرد دارد: یکی، جعاله و دیگری، ضمان، ضمان به معنای تعهد به وفا است، مانند ضمانی که از عبارت «انا به زعیم» استفاده می‌شود. در حدیثی وارد شده که زعیم به معنای پرداخت کننده خسارت است (۲۲، ۴۰۱).

شهید ثانی در کتاب مسالک می‌فرماید: «والاصل فیها قبل الاجماع، قوله تعالی: «وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ»؛ یعنی عمده دلیل برای صحت و مشروعیت جعاله، همین آیه شریفه است و اگر اجماعی هم در این باره نقل می‌شود احتمالاً مستند به این آیه و روایات باب جعاله است. و روایات باب جعاله است.

مرحوم صاحب جواهر بعد از آوردن این آیه، قیدی بدین مضمون اضافه می‌کند که «بِنَاءِ عَلَی حُجَّتِهِ مِثْلِهِ مَت لَمْ یُعْلَمَ نَسْخُهُ»؛ یعنی پذیرش این آیه به‌عنوان دلیل اعتبار جعاله مبتنی بر این فرض است که این‌گونه آیات را که بیان‌کننده احکام امت‌های قبل از اسلام است، در مورد امت پیامبر (ص) نیز حجت بدانیم (۲۰، ۱۰۱).

به نظر نگارنده این حکم برای ما نیز حجت است؛ چون همان‌طور که شهید مطهری در کتاب ارزشمند وحی و نبوت گفته‌اند: دین الهی بیش‌تر از یک دین نبوده و نیست و اساساً تعبیر به ادیان الهی، یک تعبیر مشامحی است. یک دین بوده که به مرور زمان تکامل یافته و تا زمان حضرت محمد (ص) (که مردم که آمادگی دریافت و حفظ دین کامل الهی را پیدا کرده بودند) ادامه یافت. لذا آنچه توسط پیامبران پیشین بیان شده، بر قوت و اعتبار خود باقی است، مگر آنکه به صراحت یا ضمنی، اختصاص آن به امت‌های پیشین اثبات شده باشد. و یا به صراحت یا ضمنی توسط پیامبر اسلام نسخ شده باشد، درحالی که درباره آیات و روایات یاد شده چیزی وارد نشده، پس حکم آن همچنان باقی است. (۴، ۹۳)

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ»؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مال یکدیگر را به ناحق نخورید، مگر آن که تجارت و داد و ستدی از روی رضا و رغبت کرده باشید (نساء، ۲۹).

خداوند در این آیه استفاده از اموال دیگران را منع کرده، مگر مالی که از طریق تجارت و با رضایت طرفین معامله منتقل شده باشد و جعاله، یکی از مصادیق تجارت با رضایت است، پس، مشروعیت دارد.

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ » ای کسانی که ایمان آورده‌اید به عهد و پیمان خود وفا کنید (مائده، ۱).

در صورتی که جعاله در قالب عقد به وجود آید، به طور قطع مشمول این آیه خواهد بود، اما اگر در قالب ایقاع انشا شود، مثل جعاله‌هایی که خطاب به عموم مردم به وجود می‌آید، در صورتی مشمول این آیه می‌شود که واژه عقود در این آیه به معنای عهد باشد. روایتی از امام صادق (ع) در تفسیر عیاشی نقل شده که آن حضرت فرموده‌اند: عقد در این آیه شریفه به معنای عهد است. بنابراین، امر خداوند در این آیه، جمیع عقود و ایقاعات و حتی همه تکالیف عبادی (یعنی انجام واجبات، ترک محرمات و رعایت همه دستورات) را دربرمی‌گیرد. صاحب جواهر این دو آیه اخیر را نیز در شمار ادله خود آورده است.

«أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا»؛ همه به عهد خود باید وفا کنید که البته از عهد و پیمان سوال خواهد شد (اسراء، ۳۴).

دلالت دو آیه فوق بر صحت جعاله بدین گونه است که اولاً، جعاله مصداقی برای دو عنوان عقد و عهد است (و طبق تفسیری که از امام صادق (ع) نقل کردیم این دو به یک معنا می‌باشند)؛ ثانیاً در هردو آیه فعل «أَوْفُوا» به کار رفته که صیغه امر است و ظهور در وجوب دارد و ثالثاً، از آیه دوم که می‌فرماید: «إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» معلوم می‌شود که وفای به عهد و انجام تعهد واجب است و گرنه بازخواست کردن به خاطر مستحبات معنا ندارد (۲۵، ۲۴۹).

#### ۴-۲- گفتار دوم: سنت

روایات مستفیض یا متواتر متعددی که مورد قبول فقهای شیعه و سنی است بر صحت و اعتبار جعاله دلالت دارد که چند نمونه از آن‌ها را بیان می‌کنیم:

روایت علی بن جعفر عن اخیه ابی الحسن (ع) قال: «سَأَلْتُهُ عَنْ جُعْلِ الْإِيقِ وَالْأَهْلِ، فَقَالَ: لَا بَأْسَ». راوی می‌گوید: از امام کاظم (ع) درباره جعاله و تعیین پاداش برای یافتن و بازگرداندن عبد فراری و اشیا و حیوانات گم شده پرسیدم؛ امام فرمودند: اشکالی ندارد (۲۲، ۱۴۰).

روایتی است که شهید ثانی در مسالک تنها به آن استناد کرده و روایت دیگری نیاورده است. گویا همین یک روایت را در اثبات صحت جعاله کافی دانسته اند (۲۲، ۲۴۱).

مضمون روایت این است که عده‌ای از اصحاب پیامبر (ص) در یکی از مسافرت‌های خود در نزدیکی قبیله‌ای از قبایل عرب فرود آمدند و از ایشان خواستند که آن‌ها را به مهمانی بپذیرند، اما آن قبیله از این کار خودداری کردند. ساعتی بعد، رئیس قبیله را مار گزید. هرکس از افراد قبیله هرکاری که از دستش برمی‌آمد انجام داد، اما سودی نبخشید و رئیس از شدت ناراحتی به خود می‌پیچید. در این هنگام یکی از آن‌ها گفت: ای کاش می‌رفتید از آن مسافران کمک می‌گرفتید. شاید در بین آن‌ها کسی باشد که بتواند کاری انجام دهد. از این‌رو، به نزد ایشان آمدند و گفتند بزرگ قبیله ما را مار گزیده است، هر کاری کردیم بهبودی حاصل نشد، آیا در بین شما کسی هست که بتواند او را مداوا کند؟ یکی از آن‌ها گفت: آری، اما چون شما از پذیرایی ما خودداری کردید من هم این کار را برای شما انجام نمی‌دهم، مگر اینکه برای ما جُعل و پاداشی معین کنید. افراد قبیله هم موافقت کردند که به آن‌ها در مقابل کاری که برایشان انجام می‌دهند، سی رأس گوسفند (یک قطیع از غنم) بدهند. آنگاه آن شخص کارش را به شیوه مرسوم در آن روز شروع کرد .... و بی‌درنگ تاثیر گذاشت و بهبودی یافت. بعضی از افراد گروه گفتند جُعل و پاداشی را که دریافت کردیم در بین خود تقسیم کنیم، ولی کسی که آن کار را انجام داده بود، گفت فعلاً دست نگه دارید تا خدمت پیامبر (ص) برسیم و ببینیم نظر آن حضرت درباره کار ما چیست (اشکال شرعی نداشته باشد). پس به حضور پیامبر (ص) آمدند و قصه را نقل کردند. حضرت فرمودند: این عمل شما درست است و گوسفندها را که به‌عنوان پاداش تعیین کرده بودید، بگیرید.

در این جا ممکن است کسی اشکال کند که مورد این روایت، اجاره اشخاص است، نه جعاله؛ چون هم کار معین است و هم اجرت آن، ولی در پاسخ می‌توان گفت: اگر استخدام و به کار گیری پزشک به این صورت باشد که بیمار از پزشک بخواهد فقط او را ببیند و در مورد مداوای او هرچه به ذهنش می‌رسد (یعنی نظر کارشناسی خود را) بگوید، مصداقی از قرارداد اجاره است، اما چنانچه موضوع قرارداد، مداوای بیمار به شرط رهایی وی از بیماری باشد و پاداش تعیین شده، تنها در صورت بهبودی به پزشک پرداخت شود، مورد از موارد جعاله خواهد بود، نه اجاره؛ زیرا حصول شفا قطعی نیست.

عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر (ع) قال: «سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يُعَالِجُ الدَّوَاءَ لِلنَّاسِ، فَيَأْخُذُ عَلَيْهِ جُعْلاً، فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ». محمد بن مسلم می‌گوید: از امام باقر (ع) درباره مردی که بیمارستان را معالجه می‌کند و برای کار خود پاداش می‌گیرد سؤال کردم، فرمودند: اشکالی ندارد (۱۸، ۷۵). این که در روایت تعبیر به جُعل شده اشاره به این دارد که مبلغ دریافتی از قبل مشخص بوده است. عن عبدالله بن سنان قال: «سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) وَأَنَا أَسْمَعُ فَقِيلَ لَهُ: أَنَا نَأْمُرُ الرَّجُلَ فَيَشْتَرِي لَنَا الْأَرْضَ وَالْعُلَامَ وَالْجَارِيَةَ، وَتَجْعَلُ لَهُ جُعْلاً، قَالَ: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ». راوی می‌گوید: من در محضر امام صادق (ع) بودم که کسی به امام عرض کرد: ما به شخصی

سفارش می‌دهیم که برای ما زمین، غلام و کنیز بخرد و در عوض این کارها، برای او جُعل و پاداش تعیین می‌کنیم. آیا این کار ما صحیح است؟ امام فرمودند: هیچ اشکالی در آن نیست.  
در روایت دیگری نیز همین مطلب، به اضافه این که شخص، سفارش خرید خانه‌ای را هم داده و برای انجام آن جُعل تعیین کرده، آمده است.

#### ۴-۳- گفتار سوم: اجماع

مرحوم صاحب جواهر در کتاب جعاله می‌گوید: «لَا خِلَافَ بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ فِي مَشْرُوعِيَّتِهَا، بَلِ الْإِجْمَاعُ بِقِسْمِيهِ عَلَى ذَلِكَ»؛ در مشروعیت و صحت جعاله هیچ نظر مخالفی در میان مسلمانان نیست، بلکه اجماع محصل و اجماع منقول بر اعتبار آن وجود دارد. این که گفته‌اند هیچ نظر مخالفی بین مسلمانان وجود ندارد با آنچه پیش از این از بیش تر علمای حنفی نقل کرده ایم که جعاله را باطل می‌دانند، سازگاری ندارد؛ بله، صحت جعاله در بین علمای شیعه اجماعی است و جمهور فقهای اهل تسنن هم آن را معتبر می‌دانند. البته با وجود دلایلی از قرآن و سنت، نمی‌توان از اجماع به‌عنوان یک دلیل مستقل یاد کرد. در اصطلاح اصولیان چنین اجماعی، اجماع مدرکی است و مستند آن هم همین مدارک موجود است، لذا نمی‌تواند کاشف از قول معصوم (ع) باشد. به همین دلیل، شهید ثانی در مقام استدلال بر جعاله چنین گفته‌اند: «وَالْأَصْلُ فِيهَا قَبْلَ الْإِجْمَاعِ قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَلَمَّا جَاءَ بِهٖ جَمَلٌ بَعِيرٌ» وَ خَبَرُ الذِّي رَوَاهُ الصَّحَابِيُّ بِالْفَاتِحَةِ عَلَى قَطْعٍ مِنَ الْغَنَمِ»؛ یعنی قبل از اجماع، آن دلایل وجود داشته، لذا این اجماع ارزش مستقل ندارد (۲۰، ۷۰).

#### ۴-۴- گفتار چهارم: سایر ادله (دلیل عقلی، بنای عقلا و ...)

هر گاه در کنار کتاب و سنت و در عرض آن دو، از دلیل عقلی نام برده می‌شود، مقصود حکمی است که به‌وسیله عقل آدمی درک شود و موجب قطع به حکم شرعی گردد؛ به عبارت دیگر، هر قضیه عقلی را که از طریق آن، علم قطعی به حکم شرعی پیدا شود، در اصطلاح، «دلیل عقلی» می‌گویند. علم تصدیقی به حکم شرعی و قانونی به طور قطع محصول یک قیاس؛ سنی استدلال تشکیل یافته از دو مقدمه استثنائی یا اقترائی است. این دو مقدمه، گاهی هر دو غیر عقلی است که دلیل زائیده از آن‌ها را در اصطلاح دلیل شرعی می‌گویند و گاهی هر دو مقدمه یا یکی از آن دو، عقلی است؛ یعنی از مواردی است که عقل بدون اعتماد بر حکم شرع به آن حکم می‌کند، چنین دلیلی را در اصطلاح، دلیل عقلی گویند که خود بر دو قسم است:

۱- این که هر دو مقدمه، عقلی باشد (مانند حکم عقل به حسن یا قبح چیزی و سپس حکم عقل به این که: هر آن چه را عقل به آن حکم کند، شرع نیز بر طبق آن حکم خواهد کرد) در اصطلاح، به این گونه احکام «مستقلات عقلیه» می‌گویند.  
۲- تنها یکی از دو مقدمه عقلی باشد (مانند حکم عقل به وجوب مقدمه در هنگام وجوب ذی المقدمه عقلی محض است و مقدمه دیگر، حکم شرعی است که برای ذی المقدمه وجود دارد) در اصطلاح، به این گونه احکام «غیر مستقلات عقلیه یا عقلیات غیر مستقله» می‌گویند (۱۹، ۱۲۰).

اکنون می‌گوییم از جمله احکام عقلی، حکم عقل است به وجوب مطابقت حکم خداوند با آن چه عقلا در آرای محموده خود بدان حکم می‌کنند؛ به تعبیر دیگر، در جای خودش ثابت شده که «كُلُّ مَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكْمٌ بِهٖ الشَّرْعُ»؛ هر حکمی را که عقل لازم بداند شرع مقدس نیز آن را لازم می‌داند؛ چرا که شارع رئیس عقلا و خالق آن‌هاست. در بحث ما عقل حکم می‌کند که در یک نظام حقوقی کامل و معقول، از یک طرف، نیکو و لازم است که نوعی قرارداد کار همراه با مقداری چهل در میزان کار، اجرت و عامل وجود داشته باشد. که در اصطلاح چنین قراردادی جعاله نامیده می‌شود، مردم برای انجام امور خود به چنین چیزی نیازمندند. (صغرای عقلی) و از طرف دیگر، هر چه را عقل نیکو و لازم بداند، شرع مقدس اسلام نیز نیکو و لازم می‌داند (کبرای عقلی)؛ پس ثابت می‌شود که اعتبار و مشروعیت جعاله، یک حکم شرعی است که به طور مستقل توسط عقل فهمیده می‌شود و طبق تقسیم بندی‌هایی که بیان کرده ایم، از مستقلات عقلیه است.

به بیان ساده‌تر می‌توان گفت: یکی از مصادیق دلیل عقل، «قاعده حاجت عمومی» است؛ یعنی به رغم اینکه نیازمندی همگانی ممکن است به حد اضطرار نرسد و جلوه‌ای از اضطرار محسوب نشود، با وجود این، چون به صلاح مردم است، نیکو است و طبق ملاک تشریح، عنوان قانونی پیدا می‌کند. جعاله نیز از این گونه موارد است لذا مرحوم شهید ثانی در مسالک می‌گویند: هم چنان که مردم به مضاربه و اجاره نیاز دارند، به جعاله نیز نیازمندند. پس جایز است. هم چنین که صاحب جواهر می‌گویند: حاجت عمومی و نیاز مردم از ما دعوت می‌کند که مشروعیت و صحت جعاله را بپذیریم؛ چرا که در بعضی موارد، کاری را که می‌خواهیم انجام شود، مجهول است و در قالب عقد اجاره نمی‌گنجد، مثلاً پیدا کردن و باز گرداندن حیوان یا چیز گم شده (ع، ۸۴).

معلوم نیست که عامل چه مقدار باید تلاش کند تا حیوان یا شیء گم شده را پیدا کند و به صاحبش برگرداند و یا در مورد تولیدات صنعتی و کشاورزی ممکن است شرکتی اعلام کند: هر کس بتواند قطعه‌ای با فلان خصوصیات بسازد، فلان قدر پاداش دارد و یا یک موسسه کشاورزی برای کشف و ساخت نوعی سم که بتواند حشره خاصی را از بین ببرد بدون این که به محصول

زیان برساند، جایزه و پاداش تعیین می‌کند. بنابراین، در این گونه موارد نمی‌توان از عقد اجاره استفاده کرد؛ چون که مقدار کاری که باید انجام شود مشخص نیست، اما به هر حال مردم به آن نیاز دارند، پس حکم عقل جایز و مشروع است.

در مورد اعتبار و صحت جعاله، چنان که بیان شد دلایل متعددی در قرآن و سنت وجود دارد که به فرض اگر وجود نمی‌داشت یا کسی در دلالت آن‌ها تردید داشته باشد، به کمک دلیل عقل می‌توان مشروعیت جعاله را ثابت کرد؛ چون در روایات معتبر از عقل ما به‌عنوان حجت الهی یاد شده است (۲۲، ۷۸)؛ بدین معنا که در موارد سکوت قانون شرع که مطلقاً قانونی (آیه یا حدیثی) وجود ندارد یا قاعده و قانون وارد بسیار کلی است، باید به سراغ دلیل عقل یا عرف و عادت عقلا رفت، مثلاً به موجب آیه (لا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ) (۵۱، ۲۲)، تراضی در معاملات و مبادلات را به هر صورت معتبر دانسته است. این یک قاعده حقوقی وسیع در حقوق اسلامی است، اما از این قاعده نمی‌توان به تنهایی در عقد بیمه استفاده کرد؛ چرا که بعد از تصور حدود بیمه به کمک عرف و عادت (و گاهی به کمک مقررات یک سیستم حقوقی دیگر)، در تصور مختصات این تأسیس حقوقی چندان استفاده‌ای از آن نص کلی نمی‌توان کرد. این‌ها از موارد سکوت قانون شرع است که باید از عرف و عادت عقلا به دست آید (۲۶، ۱۹). جعاله نیز این گونه است؛ یعنی از معاملاتی است که با تراضی طرفین به وجود می‌آید، اما برای تصور مختصات آن، مثل مجهول بودن عمل مورد جعاله باید از دلیل عقل و بنای عقلا کمک گرفت. در حقوق کشورهای لاتینک که تنها بر اساس عقل و عرف جامعه، قوانین خود را وضع می‌کنند نیز، عقد جعاله را پذیرفته‌اند؛ چون در بعضی موارد از یک طرف، انسان واقعاً نمی‌داند که چه مقدار کایر باید انجام شود، و از طرف دیگر، به جای آن از معاملات دیگر هم نمی‌تواند استفاده کند، بنابراین ناگزیر است مقداری جهل در مورد معامله را بپذیرد.

پس، به دلیل نیاز مردم و به حکم عقل جعاله صحیح و معتبر است، چنان که فقها (۴۲، ۱۹) می‌گویند: حاجت عمومی مانند اضطراب است و مورد حاجت را مشروع می‌گرداند.

## نتیجه‌گیری

بعد از بررسی و مطالعه تطبیقی عقد جعاله در فقه و همچنین حقوق موضوعه اعم از قانون مدنی و نگاهی به قوانین اختصاصی همچون قانون عملیات بانکی بدون ربا به نتایج ذیل دست پیدا شد که بدان اشاره می‌شود.

۱- جعاله دارای دو خصوصیت است: الف) عمل حلال است نه حرام و نامشروع و مقصود عند العقلا است، نه بی‌فایده بدین منظور قانون مدنی در ماده ۵۷۰ بیان می‌دارد جعاله در عمل نامشروع یا بر عمل غیرعقلایی باطل است همچنین بر کارهای نابخردانه مگر این که همان کار در مورد خاصی مفید باشد.

۲- جعاله دارای اقسامی است، جعاله خاص: که جاعل به شخص یا اشخاصی که قابل احصاء هستند گفته می‌شود و جعاله عام: طرف جاعل نسبت به ایجابی که می‌کند مشخص نیست عقد جعاله مانند هر عقد جایز دیگری با درج ضمن عقد لازم، به صورت غیر قابل انحلال، نسبت به مشروط علیه در خواهد آمد.

۳- به نظر می‌رسد که از میان نظریات معرفی شده فوق نظریه عقد بودن جعاله در حقوق موضوعه ایران از قوت و استحکام بیشتری برخوردار باشد. در عقد بودن جعاله‌ی خاص تردید کمتری وجود دارد زیرا اگر کسی به شخصی پیشنهاد انجام عملی را در مقابل گرفتن یا مال معینی بنماید و او پیشنهاد را بپذیرد و کار مورد نظر را انجام دهد، توافق طرفین منشاء تعهدات آنهاست و نمی‌توان ادعا کرد که فقط اراده جاعل موجب التزام او شده و قصد عامل در آن موثر نبوده است. تردید در عقد یا ایقاع بودن جعاله، بیشتر در جعاله عام مطرح است.

۴- در کشور ما تسهیلات اعطایی با توجه به شکل حقوقی و نحوه عمل در قالب ابزارهای تعبیه شده است که یکی از این ابزارها جعاله است. کاربرد جعاله در تسهیلات بانکی ضمن ماده ۱۶ قانون بانکداری بدون ربا تجویز شده و مقررات آن ضمن مواد ۶۶ الی ۷۰ آئین نامه فصل سوم قانون مذکور و همچنین دستور العمل اجرایی آن مصوب ۱۳۶۳/۱/۱۹ شورای عالی پول و اعتبار تعیین شده است.

۵- وضعیت حقوقی جعاله‌های بانکی در قانون بانکداری بدون ربا و آئین نامه اجرایی آن بالاخص ماده ۶۷ به صورت عقدی جائز تبیین شده است که به نظر می‌رسد خلاف قول مشهور فقهای امامیه چون حضرت امام خمینی باشد.

۶- در جعاله‌های بانکی شرط عدم فسخ وجود ندارد و حال آن که عده قلیلی از فقهای امامیه که جعاله را عقد می‌دانند آن را جائز دانسته‌اند به طوری که جاعل و عامل هر دو می‌توانند بدون دلیل موجه عقد را به هم بزنند لیکن در جعاله‌های بانکی حق مشتری خواه جاعل باشد یا عامل ساقط شده است و علی‌رغم این که عقود جائز با فوت و جنون و سفر منفسخ می‌شود ولی بانک‌ها با اخذ وثیقه در صورت حجر وارث متوفی را ملزم به انجام تعهد می‌کنند.

۷- در بین تسهیلات اعطایی بانک، مشارکت مدنی با طیف وسیع کاربردی خود، مناسب‌ترین ابزاری است که در تامین نیازهای مالی تولیدی، بازرگانی و خدماتی به سادگی و آسانی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و با این وصف مشکل تمدید اعتبار و

اخذ وثیقه از متقاضی و مطالبه‌ی خسارت تاخیر و نظارت اعتبار دهنده و سادگی اعتبار در فهم و آموزش و کاهش هزینه‌ها و تامین سرمایه به دفعات برای متقاضی از مشکلات جعله است مرتفع می‌گردد.

۸- آموزش بانکداری موجب می‌شود که تفاوت بین بانکداری اسلامی و بانکداری ربوی روشن شود و این تصور که بانکداری کنونی چیزی شبیه بانکداری ربوی است زایل گردد و اقدامات نادرستی مثل صوری، عملکرد ناشی از نا آشنایی با قوانین و مقررات بانکی کاهش یابد.

## منابع

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، دوره حقوق مدنی (حقوق تعهدات)، جلد اول، چاپ دهم: تهران، انتشارات دانشگاه تهران، آبان ۱۳۸۹.
- جندقی، مهدی، فرشته، رابطه عقود اسلامی در سیستم بانکی با کاهش فقر، دانشگاه فردوسی، علوم اداری و اقتصادی (۱۳۸۷)
- سهیلی، کیومرث، مقایسه تئوری کارایی غیر ربوی و بانکداری ربوی در تجهیز و تخصیص منابع، دو فصلنامه مطالعات اقتصاد اسلامی، س ش، پاییز و زمستان ۱۳۸۷.
- شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، چاپ هفدهم: تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲.
- شهیدی، مهدی، حقوق مدنی، عقود معین ۱، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۹۰.
- صفاکش کاشانی، حبیب ا...، ماهیت و آثار اوراق پیشنهادی جعله در حقوق ایران و فقه امامیه (پایان نامه ارشد). دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران، ۱۳۹۱.
- صادقی، مهدی؛ احمدی حاجی آبادی روح ا...، الهی، مهدی، و بهاروندی، احمد الگوی عملیاتی عقد جعله با تاکید بر بخش تهران: (دانشگاه امام صادق) ۱۳۸۹.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (مشارکت‌ها - صلح) جلد دوم (از دوره عقود معین)، چاپ بیستم: تهران، گنج دانش، ۱۳۹۱.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، جلد اول، چاپ سوم: تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۹۰.
- کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی (اعمال حقوقی قرارداد - ایقاع) چاپ دوم: تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۹۱.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (دوره عقود معین)، ج ۴، چاپ دوم: تهران، شرکت سهامی انتشار با همکاری دیگران، ۱۳۹۲.
- کاتوزیان ناصر، اعمال حقوق قرارداد - ایقاع، تهران شرکت سهامی انتشار - ۱۳۸۹.
- مطهری، مرتضی، نظری بر نظام اقتصادی اسلام، چاپ دوم: تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳.
- موسویان، سید عباس، تبیین فقهی بانکداری بدون ربا فصلنامه فقه و حقوق - ۱۳۸۳.
- نقدی، مریم، جعله در نظام بانکداری اسلامی، فصلنامه تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، س ۷ ش ۲۴ - ۱۳۹۰.
- منابع عربی:
- آل بحر العلوم، السید محمد، بُلغه الفقیه، ج ۲، مع شرح و تعلیق السید محمد تقی آل بحر العلوم، ط ۴: تهران، مکتبه الصادق، ۱۴۰۳ ق.
- آل کاشف الغطاء، محمدحسین، تحریر المجله، ج ۱، چاپ دوم: نجف اشرف، المکتبه المر تصویه، ۱۳۵۹ ق.
- ابن محمد الأعرج، السید عمید الدین عبدالمطلب، کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد، ج ۱ (من ثلثه مجلدات)، ط. الاولی: قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۱۶ ق.
- ابن منظور الافریقی المصری، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۸ مجلدی، ج ۲، چاپ اول: بیروت، احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
- اصفهانی، سید ابوالحسن الموسوی، وسیله النجاه (مع تعالیک السید محمدرضا الموسوی الگلپایگانی)، الجزء الثانی، الطبعه الاولی: قم، مطبعه مهر استوار، ۱۳۳۹ ش.
- منابع فقهی و حقوقی اهل سنت:
- ابن حزم الاندلسی، ابو محمد علی بن احمد بن سعید، المُحَلّی بِالآثار (فی فقه المذهب الظاهری)، ج ۷، ط. الاولی: فی ۱۲ مجلداً، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ق (التاریخ نقل من مقدمه المحقق - القاهره).
- ابن رشد القرطبی، محمد بن احمد، المقدمات الممهّدت، تحقیق سعید احمد اعراب، فی مجلدين، ج ۲، ط. الاولی: بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۴۰۸ ق.
- ابن العابدین، محمد امین بن عمر، رد المختار علی الدرّ المختار علی متن تنویر الابصار (المعروف بـ «حاشیه ابن عابدین»)، فی سبعة مجلدات، ج ۵، ط. الثانیه: بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۷ ق.
- ابن قُدّامه، المعنی (ویلیه الشرح الكبير لابن قدامه المقدسی «شمس الدین ابی الفرج») فی ۱۶ مجلداً، ج ۸، ط. الاولی: قاهره، دار الحدیث، ۱۴۱۶ ق.